

بیانات معظم له در دیدار آقای هاشمی رفسنجانی و کابینه در پایان دوره هشت ساله ریاست جمهوری - 9 مرداد/ 1376

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این يك آزمایش جدیدی برای جمهوری اسلامی است که بحمدالله دولتی در پایان يك دوره‌ی طولانی - که متشکل از دو دوره‌ی ریاست جمهوری است - می‌تواند کارنامه‌ی واضح و بی‌ابهامی را از کارکرد خود ارائه دهد؛ و با احساس رضایت وجدانی از آنچه که انجام داده، و رضایت از حسن خدمتگزاری نسبت به مردم، صحنه‌ی خدمت را به مجموعه‌ی دیگری تحویل دهد.

امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند متعال، جناب آقای هاشمی و آقایان محترم - همکاران گرامی ایشان - را مشمول اجرهای وافر خودش قرار دهد. بنده هم وظیفه‌ی اخلاقی می‌دانم که احساس خودم را نسبت به جنابعالی - جناب آقای هاشمی - و همکارانتان عرض کنم.

این دوره‌ی هشت ساله، برای کشور، يك دوره‌ی بسیار پرکار و پر تلاش و پر عاید و حقیقتاً دوره‌ی بازسازی بود. بازسازی برای ما يك آرزو بود.

من فراموش نمی‌کنم، روزهای بعد از جنگ در آن جلسه‌ای که به دستور امام تشکیل شد، چند نفری برای طرح خطوط اصلی بازسازی کشور نشستیم؛ به نظر خودمان آرزوهای بزرگی را در آن نوشته‌ها آوردیم، بحث کردیم و تصور نمودیم، که ان‌شاءالله در طول چندین سال انجام گیرد. آنچه در این هشت سال ریاست جمهوری شما اتفاق افتاده، از آنچه که آن روز ما آرزو داشتیم، بیشتر است و حقیقتاً کشور بازسازی شد.

کشوری که قبل از ویرانیهای جنگ هم، حقیقتاً هیچ میراث زیربنایی قابل توجه و قابل قبولی از رژیم گذشته - که استقلال این ملت را نشان دهد - نداشت. بسیاری از آن چه را هم که بود و در طول سالهای متمادی به دست آمده بود، جنگ از دست ما گرفت. بعد از جنگ، ساختن و راه انداختن کشور، راه انداختن مردم و مشتعل کردن احساس کار و تلاش و ابتکار و نوسازی و بازسازی، همّت بلند و کار پرمهراتی را می‌طلبید، که این دولت، این وظیفه را بر عهده گرفت و با موفقیت انجام داد.

من به شما به خاطر این زحمت هشت ساله، «خسته نباشید» عرض می‌کنم. همچنین به همه‌ی برادرانی که در دولت شما هستند و بودند - بعضی هم بودند و در خلال این مدّت رفته‌اند - «خسته نباشید» عرض می‌کنم. در همه‌ی زمینه‌ها خیلی زحمت کشیدید، خیلی کار کردید و حقیقتاً کشور را پیش آوردید.

من نمی‌خواهم بگویم که همه‌ی آرزوهای ما برآورده شده است. از قبیل مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و مسائل مربوط به قشرهای گوناگون، کارهای زیادی وجود دارد که بایستی به مرور انجام گیرد و ان‌شاءالله دولت‌های بعدی آنها را انجام خواهند داد؛ ولی آنچه که بر عهده‌ی این دولت بود و در طول هشت سال در زمینه‌ی بازسازی می‌توانست انجام بگیرد، بحمدالله به بهترین وجهی انجام گرفته است. خداوند ان‌شاءالله به همه‌ی شما اجر دهد و از شما راضی باشد و به این تلاشی که کردید و به نتایج کارتان، برکت دهد، که بتواند زمینه‌ی خوبی برای کارهای بعدی باشد.

لازم می‌دانم - بخصوص - نظر خودم را درباره‌ی بخشی از علل موفقیت این دولت ذکر کنم. هم اینها برای مردم نافع است، هم برای مسؤولینی که در طول زمان - در آینده - حضور خواهند داشت، بلاشک نافع است.

بخش قابل توجهی از این، به خصوصیات شخص آقای هاشمی برمی‌گردد؛ یعنی واقعاً برخی از خصوصیات در ایشان هست که تأثیر تام و تمامی در این موفقیتها داشته؛ از قبیل برخورداری ایشان از روحیه‌ی کار - پرکاری - روحیه‌ی ابتکار و نوآوری و ورود در میدانهای جدید و ناپیموده، همّت بلند در امر سازندگی و نترسیدن از طرحهای بزرگ و اقدام کردن شجاعانه در مورد کارهای بزرگ، شیوه‌ی مدیریت باز که در ایشان وجود داشت و این به همکاران ایشان امکان می‌داد که ابتکار و تلاش خودشان را به کار بیندازند و از آن استفاده کنند.

ایمان عمیق به توانایی خود نیز نقش زیادی داشت. همچنین هوشمندی در شناخت مسائل و مضایق و پیدا کردن راه حلها، بخشی از خصوصیات است که بلاشک مؤثر بود.

یک مقدار هم به کابینه برمی‌گردد که آن هم کاملاً قابل توجه است. بخشی از آن، مربوط به لیاقت‌های آقایانی است که در مجموعه‌ی دولت حضور داشتند - اعم از وزرا، معاونین و مسؤولان سازمانهای مختلف و وابسته به ریاست جمهوری - که آنها در حدود متفاوتی است.

در ضمن، یک نکته‌ی مهم در راز موفقیتها این بود که این کابینه، یک کابینه‌ی کاری بود، نه یک کابینه‌ی سیاسی. معنای کابینه‌ی کاری این نیست که اشخاصی که در این کابینه‌اند، اهل سیاست نیستند، یا در سیاست دخالت نمی‌کنند؛ بلکه معنایش این است که نقطه‌ی مشترک و کاری و التقاء آنها - دور آن میزی که اسمش هیأت دولت است - اهتمام به انجام کار کشور است. این، نقش زیادی داشت و خیلی خوب بود. خدا را شکر می‌کنیم. جناب آقای هاشمی، به عنوان یک روحانی انقلابی، کارآمد، متدین و متعبد، برای مردم ما مطرح هستند و این خصوصیات است که در ایشان هست.

من در تمام طول مدت هشت سال، در جریان کارهای شما آقایان قرار داشتم؛ هم به وسیله‌ی گزارشهای مستقیم، هم از طریقی که برای اطلاع‌گیری، در دسترس من بوده است. علاوه بر این که به طور مستمر - اقلأ هفته‌ای یک بار - جناب آقای هاشمی با من ملاقات می‌کردند. در این ملاقاتها و جلسات، گزارش کارها، طرح مسائل، طرح مشکلات، نظرخواهی و مشاوره در امور گوناگون نیز بوده است. این جلسات، جلسات پربرکتی بود.

من هم، چه در آن مواردی که کاری را که دولت انجام می‌داده است، به تمام معنا قبول داشتم و به آن معتقد بودم و چه در مواردی که بخشی از مجموعه‌ی برنامه‌ی دولت را قبول هم نداشتم - اتفاق هم افتاده است که در مجموع برنامه‌ی دولت، من به گوشه‌ای از کار اعتقادی نداشتم. این جاهایی هم که اعتقاد نداشتم، گاهی به این صورت بوده است که لازم می‌دانستم اظهار نظر قطعی بکنم و تغییر آن را بخواهم. گاهی هم نه؛ در این حد لازم نمی‌دانستم، بلکه نظر پیشنهادی داشتم، مطرح می‌کردم و مورد توجه قرار می‌گرفته، اقدام می‌شده یا نمی‌شده - در همه‌ی این احوال خودم را موظف می‌دانستم که از این دولت - که یک دولت حقیقتاً خدمتگزار و با ایمان و دارای حس خدمتگزاری و دلسوزی نسبت به مردم بوده است - حمایت کنم. این، وظیفه‌ی ماست. مردم هم حقاً و انصافاً از دولت شما حمایت و از شما قدردانی کردند.

حال، عمر این دولت با همین احساس خوب، به پایان رسید. همه چیز در دنیا، اولی و آخری دارد. به پایان رسیدن مدتها و سرآمدن آمدها، جای تعجب نیست، و جایی برای استنکار آن هم نیست. آنچه مهم است، این است که محصول این مدتها چیست؟ مدت عمر ما هم تمام می‌شود؛ ناگزیر هم باید تمام شود. آنچه مهم است، این است که ما در پایان عمر، چنانچه خودمان بتوانیم محاسبه‌ای در کار خودمان بکنیم - که «فكشفتنا عنك غطاءك فبصرک الیوم حدید (30)» چشم انسان تیز می‌شود و می‌تواند چیزهای ریزتر را که در امور زندگی گذشته، ببیند - آیا وجداناً از آنچه که انجام داده‌ایم، راضی و خوشحال خواهیم بود، یا نه؟ در مسؤولیتها نیز همین‌طور است. انسان بایستی در حین مسؤولیت، وقتی به گذشته‌ی خود نگاه می‌کند، ببیند آیا کاری که خدا و وجدان خود او را راضی کند، انجام داده است یا نه؟

خوشبختانه شما آقایان خوب کار کردید؛ خوب تلاش کردید. البته این، پایان دوران مسؤولیت و کار شما هم نیست. حالا این کار تمام شد، اما بلاشک هر انسانی در جمهوری اسلامی، وظیفه دارد تا آخرین لحظاتی که اندک توانایی‌ای در او هست، به وظایف خودش عمل کند و در هر میدانی که می‌تواند، به کشور خدمت نماید.

شما همه، باید آماده باشید که در جاهای مختلف - چه در دولت آینده، چه در حواشی دولت، چه در کارهای اساسی که مربوط به امور کشور است - خودتان را آماده‌ی خدمتگزاری بدانید و قرار دهید. این، وظیفه‌ی ماست.

این مشاغل، مناصب و عنوانها، فی‌نفسه ارزشی ندارد. همان‌طوری که امیرالمؤمنین فرمود، «الا ان اقیم حقاً (31)»؛ مگر این که انسان با امکانی که در اختیار او قرار می‌گیرد، حقی را بتواند اقامه کند؛ کاری را بتواند انجام دهد. همّت باید این باشد و رضایت و خشنودی نیز باید از این باشد.

بنده دائماً شما را در طول این سالهای متمادی دعا می‌کردم؛ شخص آقای هاشمی را به نام و حداقل در هر شبانه‌روزی يك مرتبه - و بیش از این - و شما را نیز همین‌طور، معمولاً دعا می‌کردم. باز هم دعا خواهم کرد. امیدوارم ان شاءالله خداوند به شما توفیق دهد، بتوانید کارهایی را که در آینده بر عهده‌تان است، به بهترین وجهی انجام دهید و کسانی هم که خواهند آمد، بتوانند دنباله‌ی این کارها را بگیرند.

همان‌طور که عرض کردم، کار اداره‌ی يك کشور و به سامان رساندن مسائل يك کشور و آرزوهای بزرگ، کاری نیست که در کوتاه مدت انجام گیرد. بخشی از کارها - که همین کار سازندگی است - به بهترین وجهی انجام گرفته است. مراحل دیگری در پیش داریم؛ کارهای بزرگ دیگری در پیش است که بایستی انجام گیرد. امیدواریم همه‌ی کسانی که در این میدان خواهند بود و مسؤولیت خواهند داشت، بتوانند این وظایف را به بهترین وجهی بر عهده گیرند.

ارزیابی من از این دوره‌ی خدمتی و کاری شما مثبت است و امیدوارم ان شاءالله رضایت مردم از شما، موجب رضایت پروردگار باشد و اگر کمبودی هم در کارها بوده است، خدای متعال به لطف و رحمت و فضل خودش آن را مورد گذشت و مرحمت قرار دهد.

چنانچه ملاحظه شده است، بعضی اوقات افرادی از بعضی از مسؤولین انتقاد می‌کنند - نسبت به بعضی از چیزها - انتقادهای نباید به معنای نفی خدماتها و کارهای انجام شده، باشد. انتقاد به جای خود محفوظ است؛ باید خدمات اشخاصی که خدمت و تلاش خالصانه کرده‌اند، مورد نظر باشد. هیچ‌گاه انتقاد، به معنای نادیده گرفتن خدمات و کارهای بزرگ نیست.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال لطف خودش را همواره شامل حال شما قرار دهد، و روح مطهر امام بزرگوار را از شما راضی و خشنود کند، و ان شاءالله قلب مقدس ولی عصر را از شما خشنود و شما را مشمول دعای آن بزرگوار گرداند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(30) ق: 22

(31) نهج البلاغه: خطبه‌ی 33